

بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران*

نویسندگان: دکتر یداله مهرعلی‌زاده^۱ و دکتر سیدعزیز آرمن^۲

۱. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

هدف از مطالعه حاضر، پیگیری و ردیابی دانش‌آموختگان کارشناسی دانشگاه‌های شهید چمران اهواز، لرستان و ایلام طی یک دوره پنج ساله بود.^۱ در این مطالعه با بهره‌گیری از چارچوب نظری تجدید نظر شده نظریه وبر، توسط براون و اسکیس، رابطه آموزش دانشگاهی و نیازهای بازار کار ایران بررسی گردید. با استفاده از روش میدانی-توصیفی (ردیابی) دیدگاه ۱۸۰۰ نفر از دانش‌آموختگان هر سه دانشگاه در گروه‌های آموزشی فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی و علوم انسانی که طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ فارغ‌التحصیل شده بودند ردیابی گردید. نتایج به دست آمده نشان داد: اولاً مسأله اشتغال دانش‌آموختگان در کشور بحرانی بوده است. ثانیاً در زمینه مطابقت تجارب و برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی با نیازهای موجود در بازار کار ناهماهنگی وجود داشته است. ثالثاً نتایج این مطالعه، دیدگاه نظری براون و اسکیس (تجدید نظر شده وبر) را برای دستیابی به اشتغال در بازار کار ایران تأیید می‌کند. لذا ضروری است دانشگاه‌ها در چهار زمینه اساسی «مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی، مهارت‌های علمی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های اطلاع‌رسانی» فعالیت‌های خود را متمرکز سازند.

کلید واژه‌ها: دانش‌آموختگان، اشتغال، مهارت‌های اساسی، کارآفرینی

دوماهنامه علمی - پژوهشی
دانشگاه شاهد
سال چهاردهم - دوره جدید
شماره ۲۶
دی ۱۳۸۶

* این مطالعه توسط مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ردیف ۵۵۳۴۹۹ تأمین مالی شده است. همچنین در انجام این مطالعه آقای دکتر محمد ملکی عضو هیأت علمی گروه مدیریت دانشگاه لرستان و آقای عزیر مراسلی عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه ایلام همکاری داشته‌اند.

مقدمه

بر اساس دیدگاهی عمومی، ساختار اقتصاد در سطح بین‌المللی و ملی متأثر از جهانی شدن منجر به تغییر و بروز بحران در بازار کار و سطح اشتغال افراد شده است. جهانی شدن منجر به تغییر ساختارهای اقتصادی مبتنی بر تولید سنتی (fordism) به الگوی شبه متغیر (neo-fordism) و متغیر (post-fordis) شده است. وجه بارز چنین تغییراتی در مهارت نیروی انسانی بروز کرده است. می‌توان گفت که نظام اقتصادی شبه متغیر، نیازمند مهارت‌های سطح پایین‌تر است، زیرا رقابت در این الگوی اقتصادی بر پایه کارگران ارزان و پاره وقت و دسترسی به مواد اولیه ارزان قرار دارد. به نوبه خود، این الگوی اقتصادی نیازمند اشکالی از اجتماعی سازی و انضباط کاری است که نسبت به الگوی اقتصادی متغیر متفاوت هستند. اما در الگوی اقتصادی متغیر، رقابت، بیش‌تر مبنی بر افزایش مهارت و دانش کارگران در سطوح مختلف سازمان و تولید است. مسأله‌ای که نظام‌های آموزشی با آن مواجه هستند در دنیای واقعی، احتمالاً با ترکیبی از سازمان‌های شبه‌متغیر و متغیر مواجه هستند، گرچه ما می‌توانیم مشاهده کنیم که بخش عمده ساختار اقتصادی، چه در کشورهای پیشرفته و چه در کشورهای در حال توسعه دارای ترکیبی از روش‌های تولید شبه متغیر و متغیر هستند [۱].

امروزه در ایران مسأله اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی و مهارت‌های آنان از دغدغه‌های اصلی دولت، مراکز آموزشی و صنعتی، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران، خانواده‌ها و دانشجویان شده است. در واقع برای برنامه‌ریزی و اقدام منطقی، هر چهار رکن نامبرده به ارزیابی دانش‌آموختگان و آگاهی از توانمندی آموزش‌های ارائه شده، مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود نیازمندند؛ زیرا دانش‌آموختگان اولین گروهی هستند که به خوبی می‌توانند در خصوص آموزش و مهارت‌های خود اظهار نظر کنند. بر اساس این نیاز و ضرورت، کمیّت و کیفیت دانش و مهارت‌های دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی مورد بررسی قرار گرفته است.

در حوزه گسترده‌ای همچون رابطه آموزش عالی و بازار کار، به ویژه مهارت و توانایی‌های دانش‌آموختگان

دیدگاه‌های متعددی وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را به صورت ظاهری دنبال کرد. لذا برای ارائه چارچوب نظری موضوع حاضر نیاز است نظریه‌هایی بررسی شوند که رابطه آموزش و بازار کار را به‌گونه نظام‌دار بررسی کرده‌اند. این نظریه‌ها به طور کلی به چهار گروه قابل تفکیک هستند: نظریه فنی - کارکردی (functionalist) [۳ و ۲]، نظریه سرمایه انسانی (human capital) [۴، ۵ و ۶]، نظریه‌های انتقادی (conflict) [۷، ۸، ۹ و ۱۰]، نظریه‌های اقتضایی (contingency) [۱۱] و دیدگاه تجدیدنظر شده وبر (weberian theory) [۱۲].

نظریه فنی - کارکردی به طور خوش بینانه معتقد است که تکنولوژی منجر به افزایش سطح مهارت مشاغل می‌گردد. انتقادات متعددی بر این دیدگاه خوشبینانه در دهه ۱۹۷۹ وارد شده است. این گروه از صاحب‌نظران بر آنند که دیدگاه کارکردگرایی مسأله مدرک‌گرایی را برحسب ظاهر آن، یعنی تحقق جنبه‌های شناختی مورد بررسی قرار داده و لذا زمانی که تقاضا برای مدرک افزایش می‌یابد فرض می‌شود که این تقاضا به خاطر ایجاد مشاغل دارای سطوح مهارتی بالا به وجود آمده است؛ ولی همان‌طور که هیرش [۱۳] مشاهده کرد مدرک‌گرایی یک کالای موقعیتی است؛ بدین معنا که مدارک کالاهایی به لحاظ اجتماعی محدود هستند که هر چه افراد بیش‌تری بدان دسترسی داشته باشند ارزش اجتماعی‌اش کم‌تر می‌شود. این رویه، دو پیامد را به دنبال دارد: تورم مدرک، و پالایش بیش‌تر نیروی کار توسط کارفرمایان. نظریه سرمایه انسانی برحسب تابع تولید نظریه کلاسیک عبارت است از $Y = f(K, L, T, Q)$. هر کدام از عوامل تولید، قیمتی بر پایه بهره‌وری نهایی دارد. انتقادات وارد بر نظریه کارکردگرایی نیز به نظریه سرمایه انسانی قابل تعمیم است [۱۴]. همچنین یک بررسی [۱۵] اشاره دارد که شواهد تجربی زیادی مؤید این مطلب است که تأثیر سرمایه انسانی بر بهره‌وری و دریافتی افراد در مشاغل، بنگاه‌ها، صنایع و مناطق جغرافیایی گوناگون یکسان نیست. نظریه‌های انتقادی در دو محور، دیدگاه‌های خود را عرضه کرده‌اند: باز تولید یا برابری اقتصادی و اجتماعی از طریق نظام آموزشی و مدرک‌گرایی و رابطه بین نیازهای سرمایه‌داران و کارفرمایان و نظام آموزشی. نقطه مشترک این دیدگاه‌ها آن است که بر خلاف نظریه‌های فنی - کارکردی و سرمایه انسانی معتقد نیستند که بین آموزش و

طبقه اشراف همخوانی داشتند. اما براون و اسکیس جنبه شخصیت شاغلین را به شکل دیگری مطرح کردند و آن، اهمیت دادن به ارتباط جنبه‌های شخصیتی افراد با بهره‌وری اقتصادی بود.

در واقع با عطف به تحولات اقتصادی و سازمانی می‌توان ادعا کرد که داشتن نگرشی نهادی و همچنین توجه به جنبه‌های خلاق شخصیتی در خصوص رابطه نظام آموزشی و بازار کار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. همان‌گونه که نایت [۱۷] و یورک [۱۸] بیان داشته‌اند، اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان دانشگاهی وابسته به ترکیبی از توانمندی‌های شخصی، مهارت‌های متنوع و تسلط و درک رشته تخصصی آنان است. یورک [۱۸] معتقد است به‌طور سنتی، بر مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی دانشجویان کم‌تر توجه شده، ولی این مهارت‌ها در آینده شغلی آنان بسیار مؤثر هستند. معه‌ذا آنچه باید بیش‌تر تبیین گردد ماهیت این رابطه در یک اقتصاد مختلط، یعنی اقتصاد شبه متغیر و متغیر است. براون و لودر [۱۹] بر این نکته اذعان داشته‌اند که الگوهای اقتصادی شبه متغیر و متغیر، محور فهم و درک فرایند آموزش و ایجاد و بهره‌برداری از مهارت هستند. بر اساس تحلیل و تبیین برآمده از این دیدگاه‌ها می‌توان راجع به میزان تطابق و هماهنگی نظام آموزشی و کارآموزی با تغییرات اقتصادی و بازار کار پی برد.

در مطالعه حاضر ما چارچوب نظری تجدیدنظر شده وبر توسط براون و اسکیس را برگزیده‌ایم. در این رابطه تلاش شده تا مشخص سازیم شرایط بازار کار ایران (که به لحاظ ساختاری با ترکیبی از الگوی شبه متغیر و متغیر فعالیت می‌کند) چگونه با دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی رفتار کرده است؟ همچنین تا چه اندازه دانشگاه‌های دولتی ایران در تربیت و آموزش مهارت‌ها و دانش لازم به دانش‌آموختگان برای دستیابی به شغل در بازار کار موفق بوده‌اند؟

مطالعات انجام شده در کشور، شواهد تجربی مختلفی در رابطه با توانمندی‌های شغلی دانش‌آموختگان ارائه داده‌اند. نتایج مطالعه طالعی‌فر [۲۰] در استان مازندران نشان می‌دهد که در مقایسه با کل کشور، این استان در جذب نیروی متخصص در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور موفق بوده و توانسته زمینه اشتغال‌زایی آنان را فراهم آورد. نتایج تحقیق میرکمالی [۲۱] که به طور جامع در

نظام تولید رابطه منطقی، مبتنی بر شایسته‌سالاری و تکامل وجود دارد. این دیدگاه‌ها از جنبه‌های متفاوتی رابطه آموزش و بازار کار را مورد مذاقه قرار داده، بعضی به جنبه‌های پایگاه اجتماعی و قشربندی اجتماعی و اقتصادی توجه کرده‌اند [۱۶]. به‌طور خلاصه، این نظریه‌ها برآنند که نظام آموزشی و مدارس تلاش می‌کنند تا دانش‌آموزان را با ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری‌ای تربیت کنند که به نظام سرمایه‌داری حاکم مشروعیت بخشیده، در خدمت نظام موجود باشند.

به هر حال در یک نگاه کلی می‌توان اذعان داشت که دیدگاه بسیار خوشبینانه نظریه‌پردازان کارکردگرایی و سرمایه انسانی و همچنین دیدگاه بدبینانه نظریه‌پردازان انتقادی، می‌تواند تصویری مناسب از روابط بین آموزش و بازار کار عرضه بدارند؛ زیرا هر دو دیدگاه، محصول نظام تولید سنتی و مدیریت علمی هستند، حال آن‌که نظام‌های تولید شبه متغیر و متغیر، روابط تازه‌ای در بازار کار به وجود آورده‌اند که نیازمند پاسخ‌گویی هستند. از این‌رو همان‌گونه که اشتن و گرین [۱۱] اظهار داشته‌اند: رابطه نظام آموزشی و بازار کار را باید به صورت مشروط بررسی کرد، زیرا هر دو نظام به شکل مستمر تغییر می‌کنند. بخشی از این پدیده به آن دلیل است که یک تلاش سیاسی برای انتخاب و تخصیص منابع، به ویژه نیروی انسانی با مهارت در بخش‌های تولیدی وجود دارد و از طرف دیگر، تقاضا برای مهارت‌ها مستمراً با تغییر و تحول مواجه است. از این‌رو نظریه ارائه شده توسط اشتن و همکارانش حایز اهمیت است، زیرا تلاش می‌کند مفهوم قدرت و تعارض مطرح شده توسط نظریه‌پردازان انتقادی را با نظریه‌پردازان سرمایه انسانی و کارکردی آموزش تلفیق کند.

اما براون و اسکیس [۱۲] با بازنگری دیدگاه وبر، جنبه‌های تازه‌تری از ارتباط نظام آموزشی با بازار کار را به تصویر کشانده‌اند. اهمیت کار آنان در ترسیم جنبه‌های خلاقیت‌زا و کارآمد سازمان و تولید، یعنی جنبه‌های شخصیتی شاغلین است. همان‌طور که ملاحظه گردید در دوره تولید سنتی، رابطه اصلی بین نظام آموزشی و بازار کار بر محور مدارک تحصیلی بود. در واقع، جنبه شخصیتی در کار بولز و کنتیس به عنوان یک فرایند برای منطبق کردن طبقه اجتماعی با محیط کار و توسط کولینز به عنوان یک مجموعه از منش‌هایی به کار می‌رفت که با انتظارات

بر اساس برش زمانی خاصی انجام گردیده است. در این رابطه تنها مطالعه جامع توسط میرکمالی [۲۱] قابل ذکر است؛ اما نتایج آن در حال حاضر قابل استناد نمی‌باشند؛ زیرا طی ده سال گذشته، آموزش عالی دولتی و خصوصی در ایران از نظر کمی گسترش زیادی یافته است.

نتیجه به دست آمده از مطالعات گذشته به وضوح بیانگر وجود تناقض و عدم تعادل در رفتار بازار کار ایران و عدم هماهنگی نظام آموزش عالی با آن است. نتیجه قابل استنتاج دیگر از مطالعات فوق آن است که به طور تلویحی، دیدگاه براون و اسکیس بر اساس نظریه تجدیدنظر شده وبر در اقتصاد ایران تا اندازه‌ای تأیید شده است. به بیان دیگر، اهمیت توانمندی‌های شخصی و توانایی‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان، مهارت‌های کلیدی و کاربردی، بیانگر آن است که جنبه‌های شخصی و خلاق شخصیتی دانش‌آموختگان به تدریج در بازار کار ایران جایگاه پیدا کرده است. لذا نیاز است تا این دیدگاه به طور مشخص‌تر بررسی گردد تا ابعاد آن بیش‌تر نمایان گردد.

اهداف و فرضیه‌های پژوهشی

هدف از مطالعه حاضر، پیگیری و ردیابی دانش‌آموختگان کارشناسی دانشگاه‌های منطقه (دانشگاه شهید چمران اهواز، لرستان و ایلام) طی دوره‌ای پنج ساله (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰) بوده است.

در این پژوهش، اهداف فرعی زیر دنبال شده است:

۱. تعیین ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموختگان.
۲. تعیین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان و این که دانش‌آموختگان در کدامیک از گروه‌های آموزشی (مهندسی، کشاورزی، هنر، دامپزشکی و علوم انسانی) بیش‌تر جذب بازار کار شده‌اند.
۳. تعیین انطباق تجارب و برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی از نظر دانش‌آموختگان این مقاطع با شرایط زمان و نیازهای بازار کار کشور ایران در دوره زمانی مورد بررسی.
۴. تعیین نظر دانش‌آموختگان تحصیلات دوره کارشناسی در مورد کیفیت دوره‌ها از نظر ایجاد مهارت، محتوای علمی و آموزشی، و توان کار و ارتباط با بازار کار. این هدف فرعی در قالب سه فرضیه بررسی شده است.

زمینه رشته‌های مختلف دانشگاهی انجام گرفت بیانگر آن بود که: الف) ۸۹/۹ درصد از فارغ‌التحصیلان در دستگاه‌های دولتی جذب شده‌اند؛ ب) ۶۷ درصد در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ جذب شده‌اند؛ ج) و در مجموع توانمندی اجرایی و شغلی دانش‌آموختگان در همه رشته‌ها در سطح بالایی بوده است. اما نتایج این مطالعه در حال حاضر تأیید نمی‌گردد. در واقع، گسترش بی‌رویه دانش‌آموختگان در سال‌های اخیر از یک طرف و عدم توانایی بازار کار از سوی دیگر، مشکلات عدیده‌ای برای جذب دانش‌آموختگان در بازار کار به وجود آورده است.

در توضیح عدم تعمیم‌پذیری چنین نتیجه‌ای به کل استان‌های کشور، مطالعه امینی [۲۲] که عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار کشور را طی دوره ۱۳۷۶-۱۳۷۵ بررسی می‌کند حکایت از آن دارد که هم عدم تعادل کل بازار کار کشور افزایش یافته و هم بر شدت عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار افزوده شده است. ۱۳ استان از ۱۴ استان دارای نرخ بیکاری بالاتر از میانگین کل کشور در سال ۱۳۷۹، یا نرخ رشد جمعیت فعال بالاتر از میانگین کل کشور بوده‌اند و یا نرخ رشد اشتغال آن‌ها کم‌تر از میانگین کل کشور بوده است.

در خصوص عدم توانایی بازار کار و رابطه بین بازار کار و دانشگاه، و رشته با شغل نتایج نامطلوبی به دست آمده است [۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ و ۲۷]. نتایج نسبتاً مشابهی در بررسی میرهادی تفرشی [۲۸] در رابطه با بررسی نظر فارغ‌التحصیلان کتابداری و اطلاع‌رسانی پیرامون برنامه آموزشی به دست آمده است. بررسی فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، در باب اهمیت و فایده دروس ارائه شده در دوران تحصیل، نشان داده همه مقولات دارای ضرایب مثبت و بالایی بوده است [۲۹].

به هر حال، در بررسی‌های بازار کار دانش‌آموختگان در ایران دو نکته قابل توجه است. اولاً بررسی موضوعی و برشی از وضعیت رشته‌های مختلف مانند فنی و مهندسی، علوم پزشکی، علوم انسانی و کشاورزی و دامپزشکی و هنر و توان رقابتی آنان در بازار کار انجام گرفته است. ثانیاً به بررسی طولی و مستمر دانش‌آموختگان طی چند سال متوالی در بازار کار کم‌تر توجه شده است. مطالعاتی که تاکنون در کشور انجام شده بر روی یک یا دو رشته و

پرسشنامه حاوی اطلاعاتی در سه زمینه بود:

۱) ویژگی‌های فردی، اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموختگان، ۲) وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان، ۳) میزان ارتباط تجارب و برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی با شرایط و نیازهای بازار کار، ۴) میزان کیفیت دوره‌های آموزشی از نظر ایجاد مهارت، محتوای علمی و آموزشی، و توان کار و ارتباط با بازار کار، ۵) پیشنهادها برای تربیت دانشجویان در محیط‌های دانشگاهی.

اطلاعات مربوط به موارد ۱، ۲ و ۵ به در قالب سؤالات بله و خیر؛ سه و یا چهار گزینه‌ای و باز پاسخ بودند؛ اما اطلاعات موارد ۳ و ۴ پرسشنامه با استفاده از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) و به ترتیب با ارزش‌گذاری ۵، ۴، ۳، ۲ و ۱ جمع‌آوری گردید.

برای تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از نظر گروهی از اساتید دانشگاهی متخصص در رشته‌های اقتصاد و مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی استفاده گردید. همچنین با انجام مطالعه‌ای مقدماتی با ۹۰ نفر از دانش‌آموختگان از هر سه دانشگاه و در رشته‌های مختلف، پرسشنامه مورد بازبینی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه در موارد ۳ و ۴ با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب برای مورد ۳ (میزان ارتباط تجارب و برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی؛ شرایط و نیازهای بازار کار) حدوداً ۰/۷۳ و برای مورد ۴ (میزان کیفیت دوره‌های آموزشی از نظر ایجاد مهارت، محتوای علمی و آموزشی، و توان کار و ارتباط با بازار کار) ۰/۸۱ به‌دست آمد. نشانی دانش‌آموختگان از اداره کل فارغ‌التحصیلان هر سه دانشگاه با هماهنگی مدیریت دانشگاه‌ها مشخص گردید. پرسشنامه‌هایی برای ۱۸۰۰ نفر آنان همراه با نامه‌ای از طریق پست ارسال گردید. لازم به توضیح است به منظور برگشت پرسشنامه‌ها، پاکت تمبرداری به همراه پرسشنامه‌ها ارسال شد تا پاسخگویان با استفاده از آن پرسشنامه را عودت دهند. پرسشنامه پیگیری بعد از گذشت پنج ماه برای افرادی که پاسخ نداده بودند ارسال گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، در سه دانشگاه شهید چمران اهواز ۴۱۱، لرستان ۴۳ و ایلام ۹۵ پرسشنامه برای تحلیل مناسب تشخیص داده شد. داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شده، بر

- نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیر) در رابطه با مهارت‌های کسب شده متفاوت است.

- نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیر) در رابطه با محتوای علمی و آموزشی دوره متفاوت است.

- نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیر) در زمینه ارتباط دانشگاه با بازار کار تفاوت دارد.

۵. مطالعه نظر دانش‌آموختگان در مورد اهمیت و نوع آموزش‌ها و مهارت‌ها و توانمندی‌های شخصی دیگری در کنار آموزش‌های رسمی دانشگاهی برای یافتن شغل مناسب؛ و نهایتاً دانشگاه چگونه می‌تواند به دانش‌آموختگان برای دستیابی به شغل مساعدت کند.

روش

در مطالعه گذشته دو مشکل در مطالعات ردیابی دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ایران، یعنی عدم جامع‌نگری در پیگیری رشته‌ها و مختص بودن آن به یک سال مشخص گردید؛ اما در مطالعه حاضر هر دو مشکل فوق برطرف شده است. برای انجام این مطالعه از روش تحقیق میدانی-توصیفی از نوع پیمایشی (ردیابی) استفاده شد.

جامعه و نمونه تحقیق

جمعیت مورد مطالعه، کلیه دانش‌آموختگان دوره‌های کارشناسی دانشگاه‌های دولتی سه استان مورد بررسی طی پنج سال از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بودند که تعداد آن‌ها ۶۰۰۰ نفر در چهار گروه آموزشی فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم کشاورزی و دامپزشکی و علوم انسانی بوده است. از این تعداد به شیوه تصادفی ساده و برحسب رشته‌های مختلف کارشناسی دانشگاهی ۳۰ درصد هر رشته برای نظرسنجی انتخاب گردید.

ابزار تحقیق

برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده گردید. این

نفر زیر دیپلم، ۷۵ نفر دیپلم و ۱۳۶ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

دانش‌آموختگان گفته‌اند که وضعیت تحصیلات پدران آنان به ترتیب عبارت است از: ۱۵۵ نفر بیسواد، ۲۱۴ نفر زیر دیپلم، ۶۳ نفر دیپلم و ۴۵ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

دانش‌آموختگان اشاره کرده‌اند که وضعیت تحصیلات مادران آنان به ترتیب عبارت است از: ۲۵۱ نفر بیسواد، ۱۸۱ نفر زیر دیپلم، ۴۹ نفر دیپلم و ۱۱ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

۲. وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان چگونه بوده است؟ دانش‌آموختگان در کدامیک از گروه‌های آموزشی (مهندسی، کشاورزی، هنر، دامپزشکی و علوم انسانی) بیش‌تر جذب بازار کار شده‌اند؟

همان‌طور که اطلاعات جدول ۱ نشان می‌دهد از ۵۴۵ پاسخ‌دهنده ۳۰۰ نفر شاغل بوده‌اند، ۲۰۵ نفر غیر شاغل و ۴۴ نفر نیز موارد دیگری را مطرح کرده‌اند. از دانش‌آموختگان شاغل پرسیده شد تا وضعیت شغلی خود را مشخص سازند. نتایج بیان می‌دارد که ۱/۱ درصد کارکن مستقل، ۰/۵ درصد کارفرما، ۱/۱ درصد کارکن فامیلی بدون حقوق، ۰/۸ درصد حقوق بگیر بخش خصوصی و ۴۴/۸ درصد حقوق بگیر بخش دولتی بوده‌اند. از جمع کل دانش‌آموختگان دارای شغل ۳۴/۶ درصد به صورت رسمی، ۱۲/۴ درصد قراردادی و ۷/۳ درصد سایر بوده است.

دانش‌آموختگانی که اظهار کرده‌اند فاقد شغل هستند دارای وضعیت‌های متفاوتی بودند. ۴۲/۲ درصد بیکار از زمان فراغت از تحصیل، ۲/۹ درصد بیکار قبلاً شاغل، ۷/۳ درصد در حال خدمت سربازی، ۳/۵ درصد خانه‌دار و ۶/۶ درصد در حال تحصیل در مقطع بالاتر هستند. همچنین ۵۳ درصد از دانش‌آموختگان گفته‌اند که برای یافتن کار به مراکز کاریابی مراجعه نکرده‌اند.

متوسط زمان صرف شده توسط دانش‌آموختگان برای دستیابی به شغل حدوداً دو سال گزارش شده است. جدول ۲ متوسط بیکاری دانش‌آموختگان را نشان می‌دهد. از تعداد فوق حدوداً ۳۰ درصد کمتر از ۶ ماه، ۹/۱ درصد بین ۶ تا ۹ ماه و حدوداً ۵۰ درصد بالاتر از ۱ سال درگیر شغل‌یابی بوده‌اند.

حسب نیاز سؤالات تحقیق، از آمار توصیفی (فراوانی، درصد و میانگین) و آزمون استنباطی تحلیل واریانس یک راهه (oneway variance) با ضریب اطمینان ۹۵ درصد استفاده گردید.

نتایج

۱. ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموختگان چگونه است؟

به‌طور کلی اطلاعات جمع‌آوری شده از دانش‌آموختگان مؤید آن است که ویژگی‌های فردی، خانوادگی و فرهنگی آنان به شرح زیر است: تعداد پاسخگویان مورد بررسی (n=۳۰۰) ۵۴/۶ درصد مرد و (n=۲۴۹) ۴۵/۴ درصد زن بوده‌اند.

تاریخ تولد دانش‌آموختگان از سال ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۹ نوسان داشته است. اما متوسط تاریخ تولد آنان ۱۳۵۴ است. محل تولد دانش‌آموختگان در استان‌های مختلف بوده است. اما بیش‌ترین فراوانی مربوط به (n=۱۹۰) ۳، (n=۵۹) ۲ سال فراغت از تحصیل دانش‌آموختگان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ است. بیش‌ترین دانش‌آموختگانی که پرسشنامه را عودت داده‌اند به ترتیب در سال ۱۳۸۰ (۱۷۲ نفر) و ۱۳۷۹ (۱۳۹ نفر) فارغ‌التحصیل شده‌اند.

از نظر وضعیت نظام وظیفه برای پسران به ترتیب ۱۰ نفر مشمول، ۹۳ نفر معاف، ۱۲۳ نفر دارای پایان خدمت، ۴۹ نفر در حال خدمت و ۲۶ نفر مشخص نکرده‌اند.

از تعداد ۵۴۹ دانش‌آموخته ۳۰۴ نفر هرگز ازدواج نکرده‌اند، ۲۳۷ نفر دارای همسر، ۳ نفر بی همسر در اثر طلاق و ۱ نفر بی همسر در اثر فوت هستند.

از بین دانش‌آموختگان متأهل ۱۲۳ نفر همسرشان دارای شغل بوده و ۱۱۰ نفر فاقد شغل هستند.

از تعداد دانش‌آموختگان متأهل ۴۰ نفر فاقد فرزند، ۹۳ نفر دارای ۱ فرزند، ۲۲ نفر دارای ۲ فرزند، ۶ نفر دارای ۳ فرزند، ۵ نفر دارای ۴ فرزند و ۱ نفر دارای ۷ فرزند بوده‌اند.

۱۸۰ نفر از دانش‌آموختگان اظهار داشتند که غیر از همسر و فرزند افراد دیگری را تحت تکفل ندارند اما ۵۱ نفر گفته‌اند که افراد دیگری را تحت پوشش دارند.

دانش‌آموختگان متأهل گفته‌اند که وضعیت تحصیلات همسرانشان به ترتیب عبارت است از: ۳ نفر بیسواد، ۲۱

جدول ۱: تعداد پاسخگویان بر حسب رشته‌ها و دستیابی به شغل در گروه‌های آموزشی مختلف

جنس	گروه‌های عمده آموزشی					
	علوم پایه	کشاورزی و دامپزشکی	انسانی	مهندسی	رشته‌های دبیری	جمع کل
مرد	شاغل	۳۶	۷۱	۲۳	۲۸	۱۷۹
	وضعیت اشتغال	۳۴	۸	۳۳	۲	۸۶
	نامشخص	۱۱	۷۸	۱۰	۶	۳۵
	جمع کل	۴۷	۱۰	۱۱۴	۳۰	۳۰۰
زن	شاغل	۱۹	۱۰	۶۲	۲۹	۱۲۱
	وضعیت اشتغال	۱۷	۳۱	۶۸	۱	۱۱۹
	نامشخص	۳	۱	۵		۹
	جمع کل	۳۹	۴۲	۱۳۵	۳۰	۲۴۹

جدول ۲: متوسط بیکاری و صرف زمان برای دستیابی به شغل در بین دانش‌آموختگان شاغل دانشگاه‌های دولتی

متغیرها	صرف زمان برای دستیابی به شغل
تعداد	۲۹۷
حداقل زمان صرف شده	۰
حداکثر زمان صرف شده	۵/۰۰
میانگین	۱/۰۳
انحراف استاندارد	۱/۶۸

در این قسمت سؤالاتی در رابطه با تجربیات، محتوای علمی رشته، فعالیت‌های آموزشی در دوران دانشگاه، مهارت‌های کسب شده و ارتباط دانشگاه با بازار کار مورد جستجو قرار گرفت. اطلاعات به دست آمده در جدول ۳ نشان می‌دهد که موضوعات زیر بیش‌تر اشاره شده است. نتایج نشان داد که با توجه به سه بعد: دانش، بینش - نگرش و مهارت‌های شغلی دانش‌آموختگان بیش‌ترین تأثیر دانشگاه، نخست در بعد بینشی و دوم در بعد دانشی بوده است. در حالیکه دانش‌آموختگان عدم رضایت خود را در بعد مهارت‌های عملی و روزآمد بودن مطالب درسی ارائه شده در دانشگاه‌های مورد بررسی اعلام داشته‌اند. به تعبیر دیگر دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، و علوم انسانی معتقد بوده‌اند که دانشگاه‌ها (الف) مهارت‌های لازم را به آنان ارائه ندهاده‌اند، (ب) آموزش دانشگاهی فاقد صلاحیت‌ها و استانداردهای آموزشی مناسب است و (ج) ارتباط بین دانشگاه و بازار کار ضعیف است (جدول ۳).

از دانش‌آموختگان شاغل پرسیده شد که وضعیت اشتغال آنان چگونه است؟ حدوداً ۳۲ درصد اظهار داشته که احتمالاً بیش از ۱۲ ماه طول خواهد کشید، ۹ درصد موقتی و کمتر از ۱۲ ماه را بیان داشته‌اند و ۱۲ درصد نیز موارد دیگر اشاره کرده‌اند. بیش‌ترین درآمد و دریافتی شاغلین تا ۳۰۰۰۰۰ تومان بوده است، صرفاً ۳/۳ درصد از دانش‌آموختگان اظهار داشته‌اند که قبلاً شغلی داشته و ۱۲ درصد نیز در دوران تحصیل شاغل بوده‌اند. به احتمال زیاد این گروه همان دانشجویان تربیت دبیر بوده‌اند.

روش‌های جستجو و یافتن شغل در بین دانش‌آموختگان شاغل متفاوت است. ۱/۶ درصد از طریق ثبت‌نام در مراکز کاریابی، ۸/۶ درصد به واسطه دوستان و آشنایان، ۴۴ درصد از طریق روزنامه و ۱۹/۵ درصد از سایر روش‌ها استفاده کرده‌اند.

برای آگاهی از میزان ارتباط شغل با رشته تحصیلی دانش‌آموختگان از آنان خواسته شد تا چگونگی رابطه را مشخص سازند. نتیجه گویای آن است که حدوداً از ۵۷ درصد پاسخ داده شده، ۴۰ درصد موافق ارتباط رشته تحصیلی با شغل خودشان بوده‌اند.

دانش‌آموختگان بعد از خروج از دانشگاه به میزان بسیار پایینی با گروه آموزشی خود ارتباط داشته‌اند. افراد محدودی که ارتباط داشته‌اند بیش‌تر در زمینه‌های ارتباط سازمانی (۱/۸ درصد)، استخدامی (۲/۴ درصد)، مشاوره‌ای - علمی (۸/۴ درصد) و تحقیقی - پژوهشی (۳/۶ درصد) بوده است.

۳. آیا تجربیات و برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی از نظر فارغ‌التحصیلان این مقاطع با شرایط زمان و نیازهای بازار کار مطابقت دارد؟

جدول ۳: تجربیات، محتوی علمی رشته، مهارت‌های کسب شده و ارتباط دانش‌آموختگان با بازار کار

سؤالات	n	انحراف استاندارد	میانگین
۱) از ابتدا کادر آموزشی روشن نمودند که چه چیزی از دانشجویان انتظار دارند	۵۳۱	۱/۳۸	۲/۵۵
۲) دروس دانشگاه بینش نظری و قدرت شناخت مرا افزایش دادند	۵۴۳	۱/۰۲	۳/۷۰
۳) دروس دانشگاهی راه‌های عملی استفاده از شناخت نظری را به من آموختند	۵۳۶	۱/۳۰	۲/۹۹
۴) از دروس دانشگاهی در محیط شغلی خود سود و بهره می‌برم	۴۹۸	۱/۷۰	۲/۸۷
۵) تحصیلات دانشگاهی توانمندیهای شغلی مرا افزایش داد	۵۰۵	۱/۵۷	۳/۱۶
۶) تحصیلات دانشگاهی تعهد و احساس مسئولیت مرا افزایش داد	۵۳۵	۱/۳۱	۳/۶۴
۷) تحصیلات دانشگاهی توانایی کار با گروه را در من افزایش داد	۵۲۳	۱/۳۴	۳/۵۰
۸) توانمندیهای شغلی من فقط حاصل کسب تجربه در محیط کار است	۴۸۹	۱/۵۶	۲/۴۵
۹) تحصیلات دانشگاهی قدرت استفاده از تجهیزات و ماشین آلات را در محیط کارم افزایش داد	۴۸۲	۱/۵۴	۱/۹۶
۱۰) در مجموع مدرسین در بیان مطالب خوب بودند	۵۴۴	۱/۱۴	۲/۴۵
۱۱) حجم دروس ارائه شده بسیار سنگین بود	۵۴۱	۱/۱۸	۲/۷۰
۱۲) مطالب درسی کاملاً روزآمد بودند	۵۴۳	۰/۹۴	۱/۶۰
۱۳) ارتباط خوبی بین دانشگاه و بازار کار وجود داشت	۵۴۲	۱/۶۵	۳/۴۷
۱۴) در رشته تحصیلی من عرضه فارغ‌التحصیلان بیش از نیاز بازار کار است	۵۴۳	۱/۵۶	۳/۲۰
۱۵) مهارت و خلاقیت فردی در یافتن شغل بسیار مؤثر است	۴۳۹	۱/۲۳	۳/۰۶

تحلیل واریانس یک عاملی بین مهارت‌های کسب شده برحسب گروه‌های آموزشی بیانگر آن است که بین دانش‌آموختگان در گروه‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۴).

$(F=0/14$ و $df=4/546$ $sig=0/001$) میانگین کسب مهارت در گروه فنی و مهندسی (۲/۷۰)، گروه کشاورزی و دامپزشکی (۲/۸۰)، علوم پایه (۳/۰۱)، علوم انسانی (۳/۰۷) و رشته‌های دبیری (۳/۰۸) و در مجموع ۲/۹۸ بوده است. در واقع میانگین کسب مهارت در گروه فنی و مهندسی پایین‌تر و در گروه علوم انسانی و رشته‌های دبیری متوسط است. اما در مجموع گروه‌های آموزشی مورد بررسی معتقد بوده‌اند که دانشگاه‌ها مهارت‌های لازم را به آنان ارائه ندادند.

۴. به نظر فارغ‌التحصیلان، تحصیلات دوره کارشناسی چه اندازه دارای کیفیت از نظر ایجاد مهارت، محتوای علمی و آموزشی، و توان کار و ارتباط با بازار کار بوده است؟ در این قسمت سؤالات مختلفی از پاسخگویان پرسیده شد که در حیطه اساسی در قالب مهارت‌های کسب شده، محتوای دوره و رابطه دانشگاه با بازار کار طبقه‌بندی شدند. به منظور آگاهی از نظرات پاسخگویان برحسب گروه‌های عمده آموزشی چهارگانه و رشته‌های دبیری در سه حیطه مورد نظر فرضیه‌هایی آزمون گردید.

فرضیه ۱: از نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیری) تفاوت معنی‌داری در رابطه با مهارت‌های کسب‌شده وجود نداشته است.

جدول ۴: نظرات دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف دانشگاه در رابطه با اهمیت تجربیات و مهارت‌های کسب شده

کسب مهارت	n	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معناداری
علوم پایه	۸۶	۳/۰۰۷۲	۰/۶۵۳۳			
کشاورزی و دامپزشکی	۱۱۹	۲/۷۹۰۴	۰/۶۹۴۶			
انسانی	۲۴۹	۳/۰۷۶۸	۰/۶۹۹۸	۵/۱۴	۴	۰/۰۰۱
مهندسی	۳۳	۲/۷۰۶۳	۰/۴۸۷۹			
رشته‌های دبیری	۶۰	۳/۰۸۱۴	۰/۷۶۷۲			
جمع کل	۵۴۷	۲/۹۸۱۷	۰/۶۹۹۰			

جدول ۵: نظرات دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف دانشگاه در رابطه با اهمیت محتوای آموزشی و علمی رشته

محتوای آموزشی	n	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معناداری
علوم پایه	۸۴	۲/۹۱	۱/۱۳۱۰			
کشاورزی و دامپزشکی	۱۱۹	۲/۸۹	۱/۰۰۸۷			
انسانی	۲۴۵	۲/۹۶	۱/۰۲۶۳	۲/۳۸	۴	۰/۰۵
مهندسی	۳۲	۳/۰۴	۰/۷			
رشته‌های دبیری	۶۰	۳/۳۵	۰/۸۲۱۴			
جمع کل	۵۴۰	۲/۹۹	۱/۰۱۲۲			

فناوری و ارتباطات: از نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیری) تفاوت معنی‌داری در رابطه با محتوای علمی و آموزشی دوره وجود نداشته است.

تحلیل واریانس یک عاملی بین محتوای آموزشی و علمی رشته برحسب گروه‌های آموزشی بیانگر آن است که بین دانش‌آموختگان در گروه‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

تحلیل واریانس یک عاملی بین محتوای آموزشی و علمی رشته برحسب گروه‌های آموزشی بیانگر آن است که بین دانش‌آموختگان در گروه‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. (جدول ۵).
 میانگین محتوای آموزشی در گروه فنی و مهندسی (۳/۰۴)، گروه کشاورزی و دامپزشکی (۲/۸۹)، علوم پایه (۲/۹۱)، علوم انسانی (۲/۹۶) و رشته‌های دبیری (۳/۳۵) و در مجموع ۲/۹۹ بوده است. در واقع میانگین محتوای آموزشی در رشته‌های دبیری بالاترین و در گروه علوم پایه پایین‌تر است. اما در مجموع همه گروه‌ها معتقد بوده‌اند که آموزش دانشگاهی فاقد صلاحیت‌ها و استانداردهای آموزشی مناسب است. فرضیه ۳: از نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیری) دانشگاه با بازار کار رابطه‌ای منطقی نداشته است.

فرضیه ۲: از نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیری) تفاوت معنی‌داری در رابطه با محتوای علمی و آموزشی دوره وجود نداشته است.

تحلیل واریانس یک عاملی بین محتوای آموزشی و علمی رشته برحسب گروه‌های آموزشی بیانگر آن است که بین دانش‌آموختگان در گروه‌های مورد بررسی تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۵).

میانگین محتوای آموزشی در گروه فنی و مهندسی (۳/۰۴)، گروه کشاورزی و دامپزشکی (۲/۸۹)، علوم پایه (۲/۹۱)، علوم انسانی (۲/۹۶) و رشته‌های دبیری (۳/۳۵) و در مجموع ۲/۹۹ بوده است. در واقع میانگین محتوای آموزشی در رشته‌های دبیری بالاترین و در گروه علوم پایه پایین‌تر است. اما در مجموع همه گروه‌ها معتقد بوده‌اند که آموزش دانشگاهی فاقد صلاحیت‌ها و استانداردهای آموزشی مناسب است. فرضیه ۳: از نظر دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف (فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و دامپزشکی، علوم انسانی و رشته‌های دبیری) دانشگاه با بازار کار رابطه‌ای منطقی نداشته است.

جدول ۶: نظرات دانش‌آموختگان گروه‌های آموزشی مختلف دانشگاه در زمینه تناسب رابطه دانشگاه با بازار کار

رابطه دانشگاه با بازار کار	n	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معناداری
علوم پایه	۱۸۶	۲/۷۵	۰/۹۲۹۵			
کشاورزی و دامپزشکی	۱۱۹	۲/۹۲	۰/۷۲۱۲			
انسانی	۲۴۸	۲/۸۸	۰/۹۱۰۶	۲/۴۳	۴	۰/۰۴
مهندسی	۳۳	۲/۵۲	۰/۸۰۴۰			
رشته‌های دبیری	۶۰	۲/۸۷	۰/۸۴۱۳			
جمع کل	۵۴۶	۲/۷۶	۰/۸۶۶۶			

جدول ۷: مهارت‌های مورد نیاز برای دستیابی به شغل در بازار کار ایران

مهارت‌های اساسی	موارد
مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی	<ul style="list-style-type: none"> آشنایی با کامپیوتر، امور اداری، حسابداری، آموزش نرم‌افزارهای مرتبط با رشته، آشنایی با شغل‌های مرتبط با رشته تحصیلی و خلاقیت و ابتکار شخصی یابنده شغل، آموزش رانندگی، عکاسی و فیلمبرداری، آموزش بازرگانی و بازاریابی، مهارت‌های مدیریتی، نگارش و نامه‌نگاری، فن سخنوری و سخنرانی، روان‌شناسی، آموزش اقتصاد و مدیریت، آموزش قوانین استخدامی، بالا بردن احساس مسئولیت و افزایش کار گروهی، آموزش‌های فنی حرفه‌ای مانند طراحی، نقشه‌کشی، مکانیکی، تعمیر لوازم صوتی، آشنایی با شرایط استخدامی و نحوه کار در مراکز و ارگانها، آموزش مهارت‌های فردی، فراگیری امور اداری، ارائه واحد درسی به نام جهت‌دهی که در آن بازار کار معرفی شود. آشنایی با محیط کار و عمل در کنار کسب علم، آموزش قوانین بانک‌ها و نحوه ارائه تسهیلات.
مهارت‌های علمی	<ul style="list-style-type: none"> آموزش مهارت‌های عملی، مهارت‌های فنی مناسب با اوضاع اجتماعی روز، گذاشتن دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت در زمینه رشته تحصیلی خود فرد، آموزش مطالب و موفقیت‌های روز علمی و برگزاری و پیاده کردن بسیاری از این مطالب به صورت عملی، تجربه کاری مرتبط در حین تحصیل، آموزش‌های غیر رسمی کار در آزمایشگاه در قالب تحقیق و پژوهش، استفاده از مشاورین و تجربیات استادان، ارائه واحدهای درسی متناسب با نیاز واقعی و عملی بازار کار، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش علوم انفورماتیک، تأکید بر ارزش نمره کم شود. وجود کلاس‌های کارورزی جهت سنجش توانایی‌ها و ارزیابی دانشجویان و دادن گواهینامه مهارت، انجام کارهای تحقیقاتی و پژوهشی در دوره کارشناسی.
مهارت‌های ارتباطی	<ul style="list-style-type: none"> افزودن دروس عملی و آموزش مهارت‌های خود اشتغالی، اعتماد به نفس و مهارت‌های عملی، تسلط به زبان انگلیسی، دانستن علوم عملی و ارتباطات، روش برقراری ارتباطات با دیگر افراد در محیط کار، استفاده از اینترنت برای یافتن تازه‌های علمی، آموزش‌های ارتباطی و روابط اجتماعی، آموزش خودشناسی تا افراد استعدادها را بشناسند. ارتباط نزدیک استاد با دانشجو، رواج فرهنگ قناعت، ایجاد انتظارات واقع‌بینانه در دانشجویان.
مهارت‌های اطلاع‌رسانی	<ul style="list-style-type: none"> ارتباط دانشگاه و صنعت، معرفی مراکز جذب نیروهای فارغ‌التحصیل از طرف دانشگاه به دانش‌آموختگان، معرفی مراکز کارایی به دانشجویان، بازدید از کارخانجات صنعتی، آشنا کردن مردم با رشته‌های تحصیلی، داشتن مشاوره شغلی در دانشگاه‌ها، شرکت دادن فارغ‌التحصیلان در سمینارهای علمی و فرهنگی، تفهیم ادارات در مورد به‌کارگیری مدارک دانشگاهی

(آشنایی دانشجویان با مشکلات کشاورزی کشور و تعادل بین بار علمی از نظر تئوری و عملی، توسعه و تقویت کارگاه‌های کشاورزی متناسب با نیاز کشاورزی کشور) و دانش‌آموختگان ادبیات (نقدهای ادبی به جای واحدهای نظری، آموزش ویرایش متون مطبوعاتی) اشاره داشته‌اند.

بعد از فارغ‌التحصیل شدن چه نوع آموزش‌ها و مهارت‌های جدیدی کسب کرده‌اید؟

دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف مهارت‌ها و آموزش‌هایی در زمینه مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی، مهارت‌های علمی و مهارت‌های ارتباطی را دنبال کرده‌اند (جدول ۸).

۵. از نظر دانش‌آموختگان چه آموزش‌ها و مهارت‌های دیگری در کنار آموزش‌های رسمی دانشگاهی برای یافتن شغل مناسب ضروری هستند؟

با استفاده از سوال باز پاسخی، از دانش‌آموختگان این سوال پرسیده شد که برای دستیابی به شغل در بازار کار چه نوع مهارت‌هایی نیاز است. عمده مهارت‌هایی که آنها اشاره کرده در جدول ۷ طبقه‌بندی شده‌اند.

دانش‌آموختگان رشته‌های خاص مانند دبیری به مهارت‌هایی مانند (آموزش کلاس‌داری و ارائه دروس تربیتی برای هر رشته‌ای به طور جداگانه، بازرگری در شیوه‌های تدریس و تمرین معلمی در رشته‌های محض)، دانش‌آموختگان کشاورزی

جدول ۸: مهارت‌های جدیدی که دانش‌آموختگان بعد از خروج از دانشگاه کسب کرده‌اند

مهارت‌های کسب شده	موارد
مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی	<ul style="list-style-type: none"> گذراندن دوره کامپیوتر، آموزش اتوکد، گذراندن دوره پژوهش و تحقیق، دوره آموزش کنترل کیفیت QC در مالزی (مدیریت)، برنامه‌ریزی Q basic و اینترنت، آشنایی با برنامه نویسی کامپیوتر، مدیریت کنترل پروژه، آموزش فیلمبرداری، تزریقات، کارهای اداری، آموزش برق صنعتی آموزش احکام، قرآن و تدریس آن، دوره طرح معرفت از طرف بسیج، آموزش نرم‌افزارهای مدیریتی، آشنایی با وضعیت بازار کار.
مهارت‌های علمی	<ul style="list-style-type: none"> دوره‌های آموزشی تخصصی مخابرات و فیبر نوری (فیزیک کاربردی)، کار در آزمایشگاه یک کارخانه تولید مواد شوینده (شیمی)، کار با ماشین تراش (مکانیک)، آموزش‌های ضمن خدمت در مراکز آموزش کشاورزی و مطالعه منابع جدید، شرکت در کلاس‌های ضمن خدمت مربیگری و داوری و کلاس‌های تئوری در ارتباط با رشته (تربیت بدنی)، کارگاه آموزشی کشت در گلخانه (کشاورزی)، ارتباط دانشگاه با صنعت، مطالعه کتب دینی، گذراندن دوره کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، مهارت‌های جنبی (خوشنویسی، گلسازی و...)، آموزش مربیگری در رشته‌های فوتبال و هندبال (تربیت بدنی)، اجرای طرح‌های تحقیقاتی، کار با میکروسکوپ الکترونی (علوم آزمایشگاهی)، دوره مربیگری تخصصی نظامی، برق‌کشی ساختمان، تعمیر لوازم برقی، پرورش قارچ (کشاورزی)، اصول بازرسی بهداشتی دام و فرآورده‌های دامی و قرنطینه دام، مهارت در کارهای ساختمانی، آموزش مددکاری اجتماعی و مشاوره (علوم تربیتی)، مهارت در زمینه ماشین‌های اختصاصی نیشکر، آشنایی با تجهیزات پزشکی (مدیریت بازرگانی)، دوره بانکداری و حقوق بانکی، هنرهای دستی (گل‌سازی، توربافی)، کارهای هنری (آرایشگری و قالیبافی)، دوره کارورزی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، کار در شرکت، آموزش نقشه برداری (آبیاری)، آموزش ترویج کشاورزی، امتحان برای آگاهی‌های استخدامی و شرکت در کلاس‌های استخدامی، آشنایی با نقشه‌های صنعتی و آموزش از طریق کامپیوتر، آموزش‌هایی مانند جوشکاری، مکانیکی و لوله‌کشی، مطالعه آزاد و مطالعه کتب در حیطه رشته مربوطه، برخورد با دانش‌آموزان، نوع نیازها و استعدادهای افراد، آشنایی با مسائل و مشکلات رفتاری کودکان (روانشناسی)، دوره آموزش آبی‌پروری (زیست دریا)، طراحی فضای سبز شهری و آپارتمان‌ها (جغرافی)، حساسی و حسابداری، کارهای ورزشی، کار در آزمایشگاه، کارآموزی پتروشیمی، شناخت شعر، نوشته‌های قدیمی و معاصر (ادبیات)، استفاده از امکانات مکانیکی موجود در هنرستان (کشاورزی)، بررسی پرونده‌ها و رفتن به دادگاه و آشنایی با نحوه دادرسی (حقوق)، دوره تعمیر موتورهای بنز و نگهداری آنها (ماشینهای کشاورزی)، آموزش درباره هیدرولیک (مکانیک)، آموزش درباره دانش اطفاء حریق و تجهیزات مربوطه (مکانیک)، کارورزی در شیلات (کشاورزی)، کارهای اجرایی ساختمان‌سازی (عمران)، خدمات تخصصی مرتبط با رشته (آمار)، طرح طبقه‌بندی مشاغل و ارتقاء کیفیت، شرکت در سمینارهای تخصصی ژنتیک و اصلاح نژاد زنبور عسل (کشاورزی)، شرکت در کلاس‌های آموزش مربیان بزرگسال توسط جهاد دانشگاهی، آموزش مدیریت مشارکتی
مهارت‌های ارتباطی	<ul style="list-style-type: none"> قدرت ارتباط با پیمانکاران، همکاران و کارگران (مهندسی عمران)، آموزش زبان، نحوه ارتباط با مشتریان، قیمت‌گذاری کالا

مطالب جمع‌بندی شده از نظرات دانش‌آموختگان را می‌توان در دو محور اصلی طبقه‌بندی کرد:

به نظر دانش‌آموختگان، دانشگاه چگونه می‌تواند برای یافتن شغل مناسب کمک کند؟

پیگیری و ردیابی دانش‌آموختگان کارشناسی دانشگاه‌های شهید چمران اهواز، لرستان و ایلام طی یک دوره پنج ساله بود. در این مطالعه با بهره‌گیری از چارچوب نظری تجدیدنظر شده و بر توسط براون و اسکس رابطه آموزش دانشگاهی و نیازهای بازار کار ایران بررسی گردید. نتایج به‌دست آمده نشان داد:

اولاً، مسأله اشتغال دانش‌آموختگان در کشور بحرانی است. حدوداً ۴۵ درصد از دانش‌آموختگانی که دارای شغل بوده‌اند در بخش دولتی مشغول به کار شده‌اند. این مسأله نشانگر دو نکته است: الف) اهمیت زیاد بخش دولتی در ایجاد فرصت‌های اشتغال برای دانش‌آموختگان، ب) عدم توانایی بخش خصوصی و تعاونی در ایجاد فرصت‌های شغلی برای دانش‌آموختگان است. این مطالعه نتایج مطالعات گذشته امینی [۲۲] ترتیبی‌نژاد و همکاران [۲۳] محمدی دینانی و فولادی [۲۴] دهنوی، [۲۵] اشعریین، [۲۶] شعبانی [۲۷] میرهادی تفرشی [۲۸] پورحقیقی‌زاده [۲۹] را تأیید کرده است. در تفسیر دلایل وجود چنین مسأله‌ای می‌توان اذعان داشت که در واقع با گذشت زمان به استناد بررسی امینی [۲۲] در مورد عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار کشور طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۷۹ بخشی از بیکاری دانش‌آموختگان در استان‌های خوزستان، لرستان و ایلام ناشی از افزایش عدم تعادل کل بازار کار کشور است که بر شدت عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار افزوده شده است. تا اندازه‌ای در استان‌های مورد بررسی عدم آگاهی دانش‌آموختگان از اطلاعات بازار کار و فرصت‌های شغلی خالی در مناطق دیگر کشور و همچنین و بالا بودن هزینه‌های مهاجرت می‌تواند از دلایل بیکاری آنان باشد. بر این اساس، رابطه آموزش عالی و بازار کار نه تنها ترمیم نیافته است بلکه انبوه‌سازی پذیرش دانشجوی در بخش‌های آموزشی دولتی و خصوصی مسأله اشتغال دانش‌آموختگان را بحرانی‌تر ساخته است. مع‌الوصف اینکه چرا درصد چشمگیری از دانش‌آموختگان در منطقه مورد بررسی بیکار هستند موضوع پیچیده‌ای است و به آسانی نمی‌توان به آن پاسخ داد. زیرا پاسخ آن در مسائل و نظریه‌های متعددی مانند نوسانات بازار کار ایران و عدم تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار، عدم وجود سیاست‌گذاری اشتغال در کشور طی سال‌های گذشته، تبیین‌های اجتماعی و فرهنگی (عدم تمایل به کار مستقل و دستی، گرایش‌های فرهنگی

الف) اطلاع‌رسانی: شناسایی فرصت‌های شغلی متناسب با رشته‌های فارغ‌التحصیلان و معرفی فارغ‌التحصیلان به مراکز کارایی و دانشگاه‌ها باید مانند بانک اطلاعاتی عمل کنند یعنی اطلاعاتی را در رابطه با فارغ‌التحصیلان به مراکز و مؤسسات و وزارتخانه‌های نیازمند بدهند و همچنین به فارغ‌التحصیلان نیز اطلاعاتی راجع به بازار کار بدهند. تأسیس شرکت‌های تعاونی، گلخانه‌ای، زمین‌های کشاورزی و کار در آنها، راه‌اندازی صنایع و تولیدی‌های کوچک توسط دانشگاه، برگزاری جلسات توجیهی رشته‌های دانشگاهی، گرفتن آمار فارغ‌التحصیلان بیکار و ارائه آن به ادارات و نهادهای مختلف، معرفی مراکز مرتبط با رشته تحصیلی به دانش‌آموختگان، تأسیس مراکز کارایی در دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشجویان پس از فارغ‌التحصیل شدن آنها، دادن جزوه‌هایی به فارغ‌التحصیلان در رابطه با بازار کار، برگزاری اردوهای جهت آشنایی با بازار کار، آموزش دوره‌های تکمیلی مهارتی، کارآموزی و تدریس در رابطه با رشته مربوطه، برگزاری بازدیدهایی از مراکز و مکان‌های مرتبط با رشته تحصیلی دانشجو، ایجاد صندوق حمایت از فارغ‌التحصیلان، ایجاد انجمنی تحت عنوان انجمن فارغ‌التحصیلان در دانشگاه‌ها و برگزاری همایش‌های سالانه

ب) افزایش کیفیت آموزشی دانشگاه از طریق بالا بردن سطح علمی اساتید دانشگاه، کاهش جذب دانشجو در رشته‌ها به خصوص توسط دانشگاه آزاد، گرفتن دانشجو در رشته‌هایی که توانایی ایجاد شغل برای آنها را دارند، کم کردن حجم دروس عمومی و افزودن به دروس تخصصی، افزایش دروس عملی و کاهش دروس تئوری، به روز کردن مطالبی که آموزش می‌دهند، بالا بردن سطح علمی دانشجویان، تقویت روحیه تحقیق و کاوش در دانشجویان، از ابتدای ورود دانشجو به دانشگاه مسیر را برای او مشخص کنند تا بدانند در آینده برای چه کاری آماده شود و چه کاری از او انتظار دارند، حمایت اساتید از دانشجویان علاقه‌مند به کار در دانشگاه

بحث نتایج

گفته شد که رابطه آموزش عالی و بازار کار از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان، مسئولان کشور و همچنین خانواده‌ها و دانشجویان است. هدف از مطالعه حاضر

آموزش در زمینه کارآفرینی، کار گروهی، ارتباطات، خلاقیت و ارائه پیشنهادات و حل مسئله و استفاده از رایانه دارد.

ثالثاً، نتایج این مطالعه دیدگاه نظری براون و اسکیس (تجدیدنظر شده وبر) را برای دستیابی به اشتغال تأیید می‌کند. در بخش پیشنهادات ارائه شده توسط دانش‌آموختگان مشخص گردید که دانشگاه‌ها باید در چهار زمینه اساسی: مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی، مهارت‌های علمی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های اطلاع‌رسانی فعالیت‌های خود را متمرکز سازند. در واقع، به نظر می‌رسد مؤسسات آموزش عالی ایران برای افزایش کارایی محصولات خود نیازمند بازنگری اساسی در روش‌های آموزشی و مهارت‌سازی دانشگاهی هستند. با نگاهی به وجوه متمایز الگوهای اقتصادی نظام تولید سنتی و متغیر به نظر می‌رسد باید اولویت‌ها در برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی در دانشگاه‌های کشور برای انطباق برنامه مراکز آموزشی و کارآموزی با نیازهای الگوی تولیدی متغیر تعیین شوند.

بر پایه نتایج فوق، موضوعی که نیاز به تحقیق بیشتر دارد چگونگی تغییر نظام آموزشی دانشگاه برای تربیت دانشجویان و آماده‌سازی آنان برای حضور در بازار کار متغیر در ایران است. این تغییر می‌تواند در حوزه برنامه‌ریزی درسی، ایجاد رشته‌های تلفیقی و بین رشته‌ای و شرایط و روش‌های آموزش و یادگیری در دانشگاه صورت بگیرد.

ویژه در میان بیکاران، ترکیب، تحرکات و جابجایی جمعیتی)، تحلیل‌های مربوط به برنامه‌ریزی آموزش عالی (فقدان ارتباط دانشگاه‌ها با بازار کار، مهارت‌ها و آموزش‌های غیر کاربردی و نظری محض قابل جستجو است.

ثانیاً، در زمینه مطابقت تجربیات و برنامه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی با نیازهای موجود در بازار کار با توجه به سه بعد: دانش، بینش-نگرش و مهارت‌های شغلی دانش‌آموختگان، بیش‌ترین تأثیر دانشگاه، اول در بعد بینشی و دوم، در بعد دانشی بوده است. در حالیکه دانش‌آموختگان عدم رضایت خود را در بعد مهارت‌های عملی و روزآمد بودن مطالب درسی و مهارت‌های کارآفرینی ارائه شده در دانشگاه‌های مورد بررسی اعلام داشته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که دانشگاه‌های دولتی در تربیت دانشجویان برای مهارت‌های فوق‌ناکارآمد بوده‌اند. چنین نتیجه‌ای کیفیت پایین خدمات آموزشی در ارائه دانش، نگرش و مهارت را که در مطالعات گذشته نیز نشان داده شده تأیید کرده است. در تبیین دلایل احتمالی چنین بحران می‌توان به مسائل نظیر انبوه‌سازی آموزش عالی و گسترش کمی آموزش عالی، عدم توجه به تغییرات لازم در ساختار سازمانی و آموزشی و پژوهشی دانشگاه و صرفاً ارائه آموزش‌های سنتی بی ارتباط با بازار کار را ذکر کرد. چنانچه به برنامه درسی کنونی نگرسته شود می‌توان دریافت که این برنامه بر اساس مفروضات نظام تولید سنتی و انبوه نظیر تقسیم کار، تک مهارتی و دنباله‌رو بودن و اطاعت بی چون و چرا از کارفرما و مدیریت طراحی شده‌اند. در حالیکه نظام تولید شبه متغیر و متغیر نیاز به

منابع

1. مهرعلی‌زاده، یداله (۱۳۸۴) جهانی شدن، تغییرات سازمانی و برنامه‌ریزی توسعه منابع انسانی، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
2. Parsons, T.(1959) The school class as a social system: Some of its functions in American society. *Harvard Educational Review*, 29(2), PP.297-318.
3. McClelland, D.C.(1961) The achieving society. Irvington Publisher, INC, New York.
4. Psacharopoulos, G. (1994) Returns to education : an further international update and implications, *Journal of Human Resources*. 20(4), 583-604.
5. Becker, G. (1964) *Human Capital*. New York: Columbia University Press.
6. Schultz, T. (1961) Investment in human capital, *American Economic Review* vol. 51, pp.1-17.
7. Bowles, S. and Gintis, H. (1976) *Schooling in Capitalist America*. New York: Basic Books.
8. Hickox, M. & Moor, R. (1992) Education and post Fordism: A new correspondence?. In: Brown, P and Lauder, H (eds.). *Education for economic survival : From Fordism to Post-Fordism?*. pp. 95-117. Routledge: London.
9. Collins, R. (1979) *The Credential Society: an historical sociology of education and stratification*. New York: Academic Press.

۲۳. تربتی نژاد، نورمحمد؛ طاهری، غلامحسین؛ خوشفر، غلامرضا؛ و خواجه شاهکوهی، علیرضا (۱۳۸۰) ارزیابی شایستگی‌های کانونی دانش‌آموختگان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به منظور جذب در بازار کار و کارآفرینی، مجموعه مقالات چهل و هفتمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور، وزارت علوم تحقیقات و فناوری: سازمان سنجش آموزش کشور، ص: ۴۶۷-۴۷۷.

۲۴. محمدی دینانی، منصور و فولادی، محمد حسن (۱۳۸۰) بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی: دانشکده کشاورزی فجر دانشگاه شهید باهنر کرمان). اقتصاد کشاورزی و توسعه. دوره: ۹، شماره: ۳۴، تابستان ۱۳۸۰، ص. ۳۲۷ تا ۳۴۱.

۲۵. دهنوی، حسنعلی (۱۳۷۶) بررسی وضعیت شغلی فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت دانشگاه‌های تهران (شاغل در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مشمول قانون استخدام کشوری)، مجله مدیریت دولتی، شماره ۳۸ ص: ۷۵-۸۰.

۲۶. اشعری، محمدرضا (۱۳۷۶) مطالعه رابطه دانش، مهارت، رضایت شغلی و دیدگاه‌های فارغ‌التحصیلان رشته داروسازی از آموزش رشته داروسازی. دکترا (داروسازی). دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده داروسازی.

۲۷. شعبانی، حسن (۱۳۷۲) بررسی مشکلات جذب فارغ‌التحصیلان گرایش‌های مختلف رشته علوم تربیتی در وزارت آموزش و پرورش تهران و فارغ‌التحصیلان رشته علوم تربیتی دانشگاه‌های علامه طباطبایی، شهید بهشتی تهران، طرح پژوهشی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

۲۸. میرهادی تفرشی، محمدرضا (۱۳۷۶) بررسی نظرات فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی پیرامون برنامه آموزشی این رشته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه علوم پزشکی ایران، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی.

۲۹. پورحقیقی‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۹) بررسی نگرش فارغ‌التحصیلان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز در باب اهمیت و فایده دروس ارائه شده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی.

10. Bourdieu, P. and Passeron, J.C. (1990) *Reproduction in Education, Society, and Culture*. Translated by Richard Nice. 2nd ed. London: Sage.

11. Ashton, D. N and Green, F. (1996) *Education, training and the global economy*. Edward Elgar. Cheltenham, UK, Brookfield, US.

12. Brown, P. and Scase, R. (1994) *Higher Education and Corporate Realities*, UCL Press, London.

13. Hirsch, F. (1977) *Social limits to growth*. London : Routledge and Kegan Paul London.

14. Hughes, D. and Lauder, H. (1991) *Human capital theory and the wastage of talent*, *New Zealand Journal of Educational Studies*, 24 (1), pp.1-15.

۱۵. نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳) نقد مبانی روش‌شناسی مطالعات تجربی نظریه سرمایه انسانی و ارائه راه حل مناسب، مجله برنامه و بودجه، شماره ۶۰ و ۶۱، ۸۱-۸۴.

16. Carnoy, M. and Levien, H.M. (1985) *Schooling and work in the democratic state*. Stanford University Press. Paulo. California.

17. Knight, P. (2001) *Employability and Assessment. Skills plus – a paper prepared for the fourth colloquium*, 3rd October 2001.

18. Yorke, M. (2001) *Employability in the first cycle higher education. A working paper for the 'Skills plus' Project*. Liverpool John Moores University.

19. Brown, P. and Lauder, H. (1997) *Education, globalisation and economic development*. In: Halsey, A, H. Lauder, H. Brown, P, and Stuart Wells, A. eds. *Education, culture, economy and society*. pp.172-193, Oxford, Oxford University Press.

۲۰. طالعی فر، منصوره (۱۳۸۱) بررسی اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان دانشگاه مازندران / منصوره طالعی فر؛ به راهنمایی: احمد جعفری صمیمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

۲۱. میر کمالی، سید محمد (۱۳۷۲) ارزیابی توانمندی‌های شغلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها: تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی عالی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴ سال اول ص: ۳۸-۱۴.

۲۲. امینی، علیرضا (۱۳۸۳) بررسی عدم تعادل‌های منطقه‌ای بازار کار کشور، مجله برنامه و بودجه، سال نهم، شماره ۳، پیاپی ۸۶، مرداد و شهریور.